



## امام علی (ع) چرا نام علمدار کربلا را «عباس» گذاشت

امیرالمؤمنین (ع) نامش را «عباس» گذاشت از آن جهت که از پس پرده‌های غیب، جنگاوری و دلیری فرزند را در عرصه‌های پیکار دریافته بود و می‌دانست که او یکی از قهرمانان اسلام خواهد بود.

امیرالمؤمنین (ع) نامش را «عباس» گذاشت از آن جهت که از پس پرده‌های غیب، جنگاوری و دلیری فرزند را در عرصه‌های پیکار دریافته بود و می‌دانست که او یکی از قهرمانان اسلام خواهد بود.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، قمر بنی‌هاشم حضرت ابوالفضل‌العباس در روز چهارم شعبان سال 26 هجری قمری در مدینه دیده به جهان گشود، حضرت عباس (س) از بطن خاندان علوی و یکی از والاترین و شریفترین خاندان‌هایی که بشریت در طول تاریخ خود شناخته، برخاسته است، خاندانی که با قربانی دادن در راه نیکی و سودرسانی به مردم، دنیای عربی و اسلامی را یاری کرد و الگوهایی از فضیلت و شرف برای همگان به جا گذاشت.

### \*چرا حضرت علی (ع) اسم فرزندش را عباس گذاشت

مادر بزرگوار قمر بنی‌هاشم، ام‌البنین (س) «فاطمه دخت حزام بن خالد» است، حزام از استوانه‌های شرافت در میان عرب به شمار می‌رفت و در بخشش، مهمان‌نوازی، دلاوری و رادمردی مشهور بود. خاندان این بانو از خاندان‌های ریشه‌دار و جلیل‌القدر بود که به دلیری و دستگیری معروف بودند.

امیرالمؤمنین (ع) نامش را عباس گذاشت از آن جهت که از پس پرده‌های غیب، جنگاوری و دلیری فرزند را در عرصه‌های پیکار دریافته بود و می‌دانست که او یکی از قهرمانان اسلام خواهد بود، بنابراین او را عباس به معنای شیر بیشه نامید، زیرا در برابر باطل، ترشو و پراژنگ و در مقابل نیکی، خندان و چهره گشوده بود.

### \*ادب حضرت ابوالفضل (ع) در دوران کودکی

در روایت آمده است حضرت عباس (ع) بدون اجازه در کنار امام حسین (ع) نمی‌نشست و اگر پس از اجازه می‌نشست، مانند عبد خاضع دو زانو در برابر مولایش می‌نشست. (1)

همچنین نقل شده است در طول 34 سال عمر حضرت ابوالفضل (ع) آن بزرگوار هرگز امام حسین (ع) را «برادر» خطاب نکرد، بلکه با تعبیراتی مانند سیدی، مولای، یا بن رسول الله، آقای من، سرور من، ای پسر رسول خدا، آن حضرت را صدا می‌زد، جز در آخرین ساعت عمر، در آستانه شهادت که صدا زد: «برادر، برادرت را دریاب!» این تعبیر نیز یک نوع ادب بود، زیرا بیانگر آن است که برادرت رسم برادری را با بهترین وجه ادا کرد، اکنون تو نیز ای برادر، با مهر برادری به من بنگر!

در کتاب مستطرف الاحادیث آمده است: روزی امام حسین (ع) در مسجد آب خواست، حضرت عباس (ع) که در آن هنگام کودک بود، بی آنکه به کسی بگوید باشتاب از مسجد بیرون آمد، پس از چند لحظه دیدند، ظرفی را پر از آب کرده و با احترام خاصی ظرف آب را به برادرش امام حسین (ع) تقدیم می‌کند، روز دیگر، خوشه انگوری را به او دادند، او با اینکه کودک بود، با شتاب از خانه بیرون آمد، پرسیدند: کجا می‌روی؟ فرمود: می‌خواهم این انگور را برای مولایم حسین (ع) ببرم. (2)

در همان خردسالی حضرت عباس (ع)، امام علی (ع) توجه خاصی به ادب وی داشت و او را به تلاش‌ها و کارهای مهم و سخت مانند کشاورزی، تقویت روح و جسم، تیراندازی و شمشیرزنی و سایر فضایل اخلاقی، تعلیم و عادت داده بود، حضرت ابوالفضل (ع) گاهی در کنار پدر مشغول کشاورزی و باغداری و نخلستان‌ها بود و زمانی احادیث و برنامه‌های اسلام را در مسجد به دیگران می‌آموخت و به تهیدستان و بینوایان کمک می‌کرد.

### \*پی‌نوشت‌ها:

2- شخصیت ابوالفضل العباس(ع)، عطایی خراسانی، ص 116 - 117